

حفظ حاکمیت با زور و شکنجه

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۴:۴۵

باب سیلورز ادعا داشت که هر آنچه براهنی راجع به رفتار وحشیانه و بربرصفتی مأموران شاه در شکنجه و آزارش نوشته، صحت دارد. او می گفت: یک زن روزنامه نگار آمریکایی به نام «فرانسیس فیتزجرالد» در سفری که قبلاً به تهران داشت هنگام ملاقات با براهنی آثار شکنجه را در بدن وی مشاهده کرده است....

شکنجه مهمترین ابزار حکومت پهلوی برای حفظ قدرت و حاکمیت بود. شاه وجود هر گونه شکنجه را انکار می کرد ولی شواهد بسیاری از وجود شکنجه‌گاه‌ها و شکنجه‌های سخت **زندانیان سیاسی** وجود داشت. حتی بسیاری از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی وجود شکنجه در حکومت پهلوی را تأیید کرده بودند:

«در نیویورک دو ملاقات مهم داشتم، که مسائل مطرح شده در هر دوی آنها با تمام جزئیات در ذهنم مانده است. اولین ملاقاتی بود با «باب سیلورز» و باربارا اپستاین» دو نویسنده نشریه «نقد کتاب نیویورک» (نیویورک ریویو آو بوکز) که به خواهش من در منزل یکی از دوستان آمریکائی صورت گرفت و علت آن هم گفتگو با این دو تن در مورد انتشار مطلبی راجع به ایران در نشریه مذکور بود. و موقعی که این دو نفر بعد از نیم ساعت تاخیر به منزل دوستم آمدند (و البته بر اثر وقت شناسی خود مرا ناراحت کردند) از آنها راجع به علت چاپ چنین مقاله‌ای که مضمون اصلیش بررسی کتاب «تاجدار آدمخوار» نوشته «رضا براهنی» بود توضیح خواستم. «باب سیلورز» در این مقاله: براهنی را «شاعر ریشو، معلم دانشگاه آمریکائی ایندیانا و مردی دانا» توصیف کرده بود و ادعا داشت که هر آنچه براهنی راجع به رفتار وحشیانه و بربرصفتی مأموران شاه در شکنجه و آزارش نوشته، صحت دارد. او می گفت: یک زن روزنامه نگار آمریکایی به نام «فرانسیس فیتزجرالد» در سفری که قبلاً به تهران داشت هنگام ملاقات با براهنی آثار شکنجه را در بدن وی مشاهده کرده است و همچنین گزارش‌های «جمعیت حقوقدانان دموکرات» و «سازمان عفو بین‌المللی» را شاهد می‌آورد، که توانسته‌اند حتی تعداد زندانی‌های سیاسی و تاریخ بازداشت آنها را دقیقاً مشخص کنند. باب سیلورز عقیده داشت: «شکنجه فقط بوسیله کسانی اعمال می‌شود که می‌خواهند با زور و ارعاب، قدرت و حاکمیت را در دست داشته باشند...».

منبع: پرویز راجی، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه ح.ا. مهران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، صص ۴۱-۴۲

